

## اشعار مرحوم ژولیده‌ی نیشابوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحُّدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ

فِي سُلْطَانِهِ وَعَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ

وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَمُبْدِنًا وَمُعِيدًا وَ

كُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ). بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَدَاحِي الْمَذْخُوتِ

وَجَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ

الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ - (بخش ۱)

به فرموده خاتم الانبیاء

شد آماده منبر ولی از جهاز

به ابلاغ امر خدای کریم

چنان غنچه ای لعل لب باز کرد

ستایش سزاوار ذات خداست

خدایی که بر ملک هستی ملوک

خدایی که هستی همه زان اوست

احاطه است او کران تا کران

بود رحمتش بر جهانی شمول

خدایی که در انتقام عذاب

بود مؤمنین را به کف اختیار

ستایش به هر حال او را سزااست

به وادی خم طبق امر خدا

خلایق به گردش، نبی بر فراز

محمد در آن اجتماع عظیم

سخن را بدین گونه آغاز کرد

که یکتا و تنها و هستی نماست

بود دولت سبط و سیر و سلوک

حیات و مماتش بر فرمان اوست

که او چیره باشد به پیوندگان

به خوان عطایش سعادت وصول

به فردای محشر بود بی شتاب

به خلق جهان است پروردگار

که او آفریننده ی ماسواست

أَعَاصِمٌ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ.  
 الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (علي كلِّ حالٍ).  
 أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ.

سپاس فراوان ستایش زمن  
 اطاعت از او از دل و جان کنم  
 که در خط تسلیم سر می دهم  
 که ترسان از اویم در داوری  
 زمکرش نماند کسی در امان  
 که برکس از او ره ندارد ستم

پس او را بود این نیایش زمن  
 هرآنچه که فرمان دهد آن کنم  
 به خشنودیش برگ و بر می دهم  
 چنان شایقم من به فرمانبری  
 که او کبریایی است هستی نشان  
 که عدلش شامل بیش و کم

وَأَقْرَبُهُ عَلَي نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُودِي مَا أُوحِيَ بِهِ إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَجَلَّ  
 بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظَمَتْ حِيلَتَهُ وَصَفَتْ خَلْتَهُ - لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ - لِأَنَّهُ قَدَأَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ  
 لَمْ أَبْلُغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلَي) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنْ النَّاسِ)  
 وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ.

( بخش ۲ )

که من عبد، اوست مولای من  
 به وحی خداوند لیل و النهار  
 بشیرم من از قادر ذوالمنن  
 که نتوان کسی زو رهاند مرا  
 عینان همه هستیم دست اوست  
 که فرمان او بهر نصب علی است  
 نوشیده ام می به پیمان او  
 که فرمود بر من چنین جبرئیل  
 که گویم شما را به خُم غدیر  
 نکردی تو تکمیل، پیغمبری  
 که پشت و پناهت خدا هست و بس

گواهی دهد جمله اعضای من  
 هر آنچه وظیفه شدم عهد دار  
 به انجام اکنون رسانم که من  
 مبادا عذابی رساند مرا  
 اگرچه مرا ذات حق هست اوست  
 خدایی که وحیش به من منجلی است  
 اگر سربپیچم ز فرمان او  
 ندا آمد از سوی رب جلیل  
 به من گشت اعلام امری خطیر  
 نسازی اگر احیای فرمان بری  
 بگو آنچه گفتیم و از کس مترس



هم اکنون شما را کنم با خبر  
ز جبرئیل شد وحی بر من سه بار  
به من امر شد تا که در این مکان  
به هر کس منم رهبر راستین  
خدا داده در دست او حکم تام  
به من نسبتش هست ز امرآله  
که از بعد من نیست پیغمبری  
که بعد از خدا و نبی بر شما  
خدا کرده این آیه نازل به من  
علی بعد من بر شما یان ولی ست  
هر آنکس که برپا بدارد نماز  
ولی شما با هزاران خضوع  
نگینی که بر ملک هستی سر است  
مُسلّم بُود این عمل بر شما  
گواهی دهم من به علم یقین  
خدا دوست تر از علی نیست، نیست  
ملامت بود در جهان کارشان  
یکی می زند سنگ بر سر مرا  
که اینها همه بهر من منجلی است  
تمایل بر او میل ذات خداست  
خدایی که خوانده پیمبر مرا  
دوباره به من وحی شد از خدا  
به ابلاغ امر خدا کن شتاب  
بر این راستا جای تأخیر نیست  
اگر امر ما را نسازی بیان  
بگو آنچه گفتیم از پیش و کم  
هم اکنون شما را پیام آورم

که نخل رسالت شود باربر  
که اجرا کنم امر پروردگار  
سفید و سیاه را بگویم عیان  
بود جای من را علی جانشین  
که باشد پس از من شما را امام  
چو هارون و موسی در این جایگاه  
که بر امت خود کند رهبری  
بُود او به حق رهبری ره گشا  
که او می دهد دین کامل به من  
که نور حق از قلب او منجلی است  
ولی شما هست در امتیاز  
ببخشد گدا را به حال رکوع  
که زینت فرا بهر انگشتر است  
علی داد انگشترش بر گدا  
که بین شما از یسار و یمین  
شما را به جز او ولی نیست، نیست  
دل من بود خون زآزارشان  
بخواند یکی زود باور مرا  
که پاداش خویشی من با علی است  
پذیرش از او اصل جلب رضاست  
علی را نموده برادر مرا  
که ای عقلِ کُل، خاتم الانبیاء  
کز ابلاغ آن می شوی کامیاب  
که سر پیچی از آن ز تدبیر نیست  
رسالت نکردی بی حق بی گمان  
نگهدارت خالق ذوالنعم  
پیام آور از جانب داووم

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَالِكَ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ وَاعْلَمُوا) أَنْ اللَّهَ  
 قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَيِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ  
 وَ عَلَيِ التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَيِ الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَ عَلَيِ الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ،  
 وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَ عَلَيِ الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَ  
 عَلَيِ كُلِّ مَوْحَدٍ، مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٍ أَمْرُهُ.

( بخش ۳ )

که هم اول و آخر او نکوست	بدانید که این آیه در شأن اوست
اطاعت از این گفته ی رب کنید	به ژرفای دل درک مطلب کنید
بُود این علی صاحب اختیار	که ما را به فرمان پروردگار
که اصل رسالت تَوَلَّای اوست	به هر جا بُود جای من، جای اوست
که آگه ضمیرند از نوش نیش	به خیل مهاجر به انصار خویش
عجم یا عرب از یسار و یمین	به صحرا بود هر که چادر نشین
به آب و به خاک و به باد و به نار	به آزرده و برده، خُرد و کِبَار
به آنچه خدا در جهان آفرید	به زرد و به سرخ و سیاه و سفید
تَوَلَّای او بر همه واجب است	اطاعت از او بر بدی غالب است
به امر خداوند حی قدیم	در این آخرین اجتماع عظیم
که لب می گشایم به نقدِ سخن	بُود آخرین بار ای مرد و زن
همه گوش باشید و گردن نهید	به فرمان پروردگار مجید
به هر کس که من میر و مولاستم	بگویم شما را که داناستم
که تأئید هستی به امضای اوست	علی بعد من میر و مولای اوست
امامت بُود نازِ شصتِ علی	چو هستی بُود پای بستِ علی
که بر نسل من می کند همسری	امامت بُود عین پیغمبری
که بر قلب هر شیعه فرمان رواست	امامت گران هدیه ی پربهاست
به نزد خدا و پیمبر عزیز	دوامش بود تا صف رستخیز



لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ  
 (عَلَيْكُمْ) وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَرَّفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ  
 وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ .

هر آنچه خداوند عالی مقام	سپرده به من از حلال و حرام
همه در یدِ قدرتِ این علیست	که از نور او عالمی منجلیست
هم اکنون شما را بشارت دهم	بشارت به درکِ عبادت دهم
شمارید او را که او برتر است	علی بین خوبان عالم سراسر است
ز دانش هر آنچه خدا داده ام	خدا داده را بر علی داده ام
به پرهیزگاری علی أقدم است	که او در حریم خدا محرم است
علی رهبر و سرپرست شماست	به حل مُهّمات دستِ خداست
شما را کند او به حق رهبری	بود راستین خُجّت داوری

أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَيَّ الْإِيمَانُ بِي أَحَدٌ)،  
 وَالَّذِي قَدِيَ رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ  
 وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ  
 مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

به ایمان نظیرش به عالم مجو	کسی گوی سبقت نبرده از او
علی آنکه خوابید جای رسول	که ایمن بماند ز قوم جهول
علی اولین فاتح سرفراز	بُود همره من به گاه نماز
ابر مرد تاریخ کوشیدن است	که کارش خدا را پرستیدن است
علی در طاعت به گرمی بسفت	که در جای من شام هجرت بخفت
پذیرفت جان را فدایم کند	ز چنگال دشمن رهایم کند
بزرگش شمارید زیرا خدا	پذیرفته او را کند پیشوا
بود او امام و رضایش به جاست	که جلب رضایش، رضای خداست
به عالم هر آنکس به او منکر است	اگر چه مسلمان بُود کافر است
نگردد به حق توبه ی او قبول	شفاعت از او گر نماید رسول

دهد کیفرش با عذابی الیم  
علی را به عالم مخالف مباش  
هر آنکس که باشد ز حَطُّش جدا

نیامرزد او را خدای کریم  
به همراه او باش و خائف مباش  
بسوزد در آتش به امر خدا

وَمَنْ شَكَ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَنْمَةِ فَقَدْ شَكَ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُ فِينَا فِي النَّارِ.

قبول رسالت نگرديده است  
که نور امامان از او منجلیست  
مرا در مثل این علی، جان بُود  
که بر تو فرستد خدایت سلام  
بُود خار، نزد خدای عزیز

چو قدر علی را نسنجیده است  
امامت پس از من از آن علیست  
که رَدَّ علی رَدَّ آنان بُود  
ز جبرئیل آمد مرا این پیام  
هر آنکس بود با علی در ستیز

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُتَّبِعٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ.

بود سرپرستش علی تا که هست  
به ارشاد امت برابر به من  
که او رهبری پاک و آزاده است  
که از نسل او یازده گوهر است  
خدا راز قرآن و عترت شناس  
بود بین آنان جدایی محال

هر آنکس که هستم منش سرپرست  
بود او وصی و برادر به من  
که بر او ولایت خدا داده است  
علی پاک و از خلق عالم سراسر است  
به وقت پرستش به وقت سپاس  
که قرآن و عترت از این اتصال

أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَاتَجِلُّ إِمْرَةً الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَخَدٍ غَيْرِهِ.

امیری جز او نیست بر مؤمنین  
که این واژه خواندن به غیرش خطاست  
که امرش بود امر پروردگار

خطابم بود بر شما مسلمین  
امیری علی را به عالم سزاست  
سر از خط او در جهان بر ندار



ثم قال: «إيها الناس، مَنْ أَوْلِي بَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ.»

فَقَالَ: أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ

عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

(بخش ۴)

سپس رو به امت همی کرد و گفت  
به گفتند الله و پیغمبر است  
چنین کرد با امت خود خطاب  
علی سرپرستش بود تا که هست  
که ای در جهان صاحب اختیار  
وصی و برادر قرین من است  
که او می دهد نیک از بد تمییز  
به فرمانبری خدا شایق است  
که عارف زمعیار ایمان بود  
ز بیراهت باز دارد علیست  
هدایتگران را بود پیشوا

چو این ذر نایاب احمد بسفت  
چه کس از شما بر شما برتر است  
چو دندان شکن یافت احمد جواب  
برآنکس که او را منم سرپرست  
دعا کرد و فرمود با کردگار  
علی بعد من جانشین من است  
به هر کس که با او ستیزد ستیز  
که او بنده خالص خالق است  
علی حافظ دین و قرآن بود  
کسی که بحق ناز دارد علیست  
همانا بحق او بود مقتدا

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ.

وَلِيكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَتَصْبِيحِ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ

رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)، (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي

الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ

الهی تو خود کرده ای ام نازلش  
که دین شما با علی کامل است  
که شد با علی نعمت ما تمام  
پسند خدا دین اسلام شد  
که هم در عیان و نهانی بود  
جز اسلام دینی پذیرفته نیست

ولایت که کردی مرا واصلش  
که این آیه را لطف تو شامل است  
تو گفתי بگو در بر خاص و عام  
چو شیرین ز پیغام ما کام شد  
که اسلام دین جهانی بود  
بدانید شکی در این گفته نیست

هرآنکس که سرپیچد از دین من  
عذابی مسلم بر او وافر است

ز آداب و اعمال آئین من  
به فردا ز دررنده و کافر است

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ  
وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَوَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْعَرَضِ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ  
الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ،  
(لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ)  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ، أَنْصِرْكُمْ لِي وَأَحْفَظْكُمْ بِي وَأَقْرِبْكُمْ  
إِلَيَّ وَأَعَزِّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَان. وَمَا  
نَزَلْتُ آيَةً رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا  
بِدَائِهِ، وَلَا نَزَلْتُ آيَةً مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا  
شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَيَّ الْإِنْسَانُ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا  
فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ  
(بخش ۵)

پس از من امامت از آن علیست  
ولایت ز نسل علی منجلیست  
کسانیکه از او بپیچند سر  
زیانکار نفس و ز در رانده اند  
به هنگام جمع حساب حصول  
بود رد او رد ذات احد  
علی از شمایان به وقت خطر  
خدا نسیت یک دم جدا از علی  
به قرآن سخن هر کجا از رضاست  
به هر کجا خدا گوید از مؤمنین  
کسی که به قرآن خدایش ستود  
به وصفش خدا داده قدر و بها  
بود هل اتی شاهد او سخن

که تکمیل دین خدا را ولیستج  
امامان بر حق ز نسل علیست  
روند از جهالت به راهی دگر  
به فردای محشر به گل مانده اند  
عبادت از آنان نگرود قبول  
در آتش مخلد بود تا ابد  
عزیز است و یار است و نزدیکتر  
که هستیم هر دو رضا از علی  
به شأن علی چون علی مقتداست  
بود این علی مؤمن اولین  
بدانید غیر از علی کس نبود  
برات بهشت از برای شما  
که نازل به شأن علی شد نه من



که همچون منی پاک پیغمبر است  
امامان بعد از علی اوصیاست

شما را کنون بخت همسنگر است  
وصیم علی و علی مقتداست

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا

تَحْسُدُوهُ فَتَخْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزِلَ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ

أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،

وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ لَا يَبْغِضُ

عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا الْمُؤْمِنُ مُخْلِصٌ وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ

الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرُ

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ). مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتَ اللَّهَ

وَبَلَّغْتُمْ رَسُولِي وَمَا عَلِيٌّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (إِنِّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

که شیطان بود مسیر فریب  
که او را ز گلزار جنت براند  
که پا را به کردار لغزان کند  
سقوط از فرازت بود بر نشیب  
که خصم خدا در میان شماست  
کند با علی بی سعادت ستیز  
که این کار ناید زهر بت پرست  
به پرهیزکار و به هر رستگار  
به زیر لوایش در آسایش است  
که والعصر قرآن به خلق زمین  
بشر بی علی در خسارت بود  
نخوانند او را پس از من امام  
به بیراهه رانند غیر از علی  
که پیغام او را رسانیده ام  
پیام خدا را رسانیدن است

مورزید رشکی به حق حبیب  
که در گوش آدم سخنها بخواند  
که ورزیدن رشک طغیان کند  
که مانند آدم به امر حبیب  
شمایان شمائید واین آشناست  
بگویم به هرکس که باشد عزیز  
نخواهد علی را کس سرپرست  
علی سرپرست است و غمخوار و یار  
هرآنکس که بی نقص و آایش است  
به حق خدای جهان آفرین  
که پیدا به ما این عبارت بود  
به جز صالحان ولایت مرام  
همه در زیانند غیر از علی  
گواهم بود ذات نادیده ام  
که کار رسولان به پوشیدن است

به تقوا بکوشید در بندگی

که بر تو ببخشد برزندگی

(بِاللَّهِ مَا عَنِيَ بِهَذِهِ الْآيَةِ الْإِقْوَمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَمَلِي مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِيَّ ثُمَّ فِي

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ

الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا

(بخش ۶)

ز اصحاب خود در کمین علی

ولی رازشان منم پرده پوش

عیار عمل بسته به یاری است

بدانید ای راهیان حضور

بود نور من نور عزوجل

از این نور باشد به فتحاً قریب

تجلی این نور با یک مرام

امامی که حق خدا و رسول

شناسم من از منکرین علی

که هر نیش نیش است و هر نوش نوش

که از حب و بغض علی جاری است

که نور علی آمد از من ظهور

که در روشنایی ندارد خلل

امامان بعد از علی را نصیب

به مهدی موعود گردد تمام

کند از عدو عدل و دادش وصول

مَعَاشِرَ النَّاسِ،

أَنْذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ

أَفَأَنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ

عَلَيَّ عَقْبِيهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ)

کنون بر شما یم رسول خدا

رسولان پیشین حق بر حق اند

مبادا پس از من عقب گردتان

ز اسلامتان از شما مرد و زن

که یک منتهی جهان خارتان

شد شهره بر خاتم الانبیاء

همه تابع قادر مطلقند

شود باعث بدترین دردتان

مبادا گذارید منت به من

کند جمله اعمالتان را تباه



مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمْتُنُوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمْتُنُوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيُحِبِّطَ  
 عَمَلَكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَ يَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَبِا الْمُرْصَادِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ  
 سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَيَّ النَّارِ وَيَوْمَ  
 الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ

هرآنکس شود منتش بارور	شود آتش دوزخش شعله ور
بگویم شما را به علم یقین	هماره خدایت بود در کمین
دهم آگهی بر شما بعد من	بود پیشوایانتان در زمن
که سازند از راه بیراهتان	به تزویر و نیرنگ گمراهتان
که این قوم جانی ترین دشمن است	که بیزار ز آنان خدا و من است
که آنان به همراه هم پایشان	به فردا به دوزخ بود جایشان
که هستند جزء صحاب صحیف	که تنها کسی نیست آن را حریف
کنون بر صحیفه نباید نظر	که اعمال ما را شما رد ثمر
به شاهی مبدل به وقت درود	شود این امامت به زودی زود
که خشم الهی به غارتگران	سپس باز نفرین بر غاصبان
که بر منکرین ولایت مدام	جهنم بود آتشش مستدام
که بر انس و جن روز محشر سزااست	که بر حق علی و علی با خداست

إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَتَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَتَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمُ الْأَمْرَ  
 وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَأَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشَدُوا، (وَصِيرُوا إِلَيَّ مُرَادِهِ) وَلَا  
 تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السَّبِيلُ عَنِ سَبِيلِهِ.

پس از من به فرمان رب جلی بود	بود این مهم دست مولا علی
به فرمان او جمله گردان نهید	که او هست بر حق مراد مرید
اطاعت از او بر شما در شمار	بود بازدارنده از کید نار
پیچید سر را ز فرمان او	که کافر بود روی گردان او
هرآنکس بر اهدافش آرد پناه	به گمراهیش ره نپوید گناه
به فرمان ذات خدای حکیم	صراط علی هست خود مستقیم

امامان پس از او دل آگاه اوست  
پس از این علی پیشوا و امام  
علی را نشان داد بر مسلمین  
چنانچه خدا خواست آن بوده ام  
همی امر و نهی خدای زمن  
به بود و نبود شما رهبرند

که راه من از بعد من راه اوست  
بود یازده تن به صد احتشام  
پس از حمد بی حد رسول امین  
بگفتا که سر نزد حق سوده ام  
به شأن امامان بود بعد من  
که آنان همه اولیای درند

مَعَاشِرِ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمْرُكُمْ بِاتِّبَاعِهِ،  
ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وَوَلَدِي  
مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ (الْهَدْيِي)، يَهْدُونَ إِلَيَّ الْحَقَّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ  
(بخش ۷)

بر شما هستم صراط المستقیم  
راه فرزندان آگاه منست  
پیشوایان بشر از خاص و عام  
سوره حمد خدای لایزال  
چون خدا را شامل این سوره ام  
طبق فرمان خدای ذی منن  
ستیزندگان جملگی گم‌رهند

طبق فرمان خداوند حکیم  
بعد من راه علی راه منست  
یازده تن بعد او باشد امام  
پس قرائت کرد آن نیکو خصال  
گفت سر بر درگه حق سوده ام  
هست در شأن امامان بعد من  
امامان امین ره و آگهند

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ  
ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ  
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ  
كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَىٰ آخِرِ الْآيَةِ.

که هستند ایمن به حصن امان  
که آیات حق را گل باورند  
به ایثار و رحمت برازنده اند

خدا گفته در وصف ایمانیان  
کسانی میان شمایند سرند  
که آنان خدا را نکو بنده اند



عیارش به نزد خداوند کامل است  
قدم می گذارد به باغ بهشت  
سلام فرشته درود ملک  
میچید سر از خط سرنوشت  
که باغ جنان از محب علیست  
که بر حق بود صاحب ذوالفقار  
بود هر که بغض علی در دلش  
که آتش کند ناله از قهرشان  
که او را به اعمال کیفر دهند  
به آنان که کردند گمراهشان  
زخشم الهی نترسیده اید  
سخن برخلاف حق آموختید

هرآنکس علی را محب دل است  
بود چونکه پاکیزه او را سرشت  
به توصیفشان هست سنگ محک  
درآیید اینک به باغ بهشت  
که این نازشست خدا و نبی است  
گرامیست پاداش پروردگار  
در آتش بود بی گمان منزلش  
زبانہ کشد آتش از بهرشان  
اگر امتی را در آتش برند  
ه نفرین برآید ز دل آه شان  
شما سفره ی قهر حق چیده اید  
بسوزید آن سان که دل سوختید

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَي الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الخُصُونِ وَهَادِمُهَا، أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ وَهَادِيهَا

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ

( بخش ۸ )

به نامش صفا بر عبارت دهم  
بود روح من زینت جسم او  
که او بر شما آخرین رهبر است  
جهان را نماید پر عدل و داد  
که بیدادگر خاک بر سر کند  
به نابودی جمله ی مشرکین  
ز صهبای هستی ز دریای ژرف  
دهد مزد و پاداش در روزگار  
به عین الیقین هم رسیده است او

شما را به مهدی بشارت دهم  
بود مشتق از اسم من اسم او  
اطاعت از او اطاعت داور است  
زبن بر کند نجل ظلم و فساد  
جهان را ز عدلش مسخر کند  
کند پاک و پاکیزه روی زمین  
که پیمانہ ها او بگیرد بکف  
به هر کس به معیار انجام کار  
زسوی خدا برگزیده است او

مَعَاشِرَ النَّاسِ

إِنِّي قَدَيَّبْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَذَا عَلِيٌّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي. الْأَوَائِي  
عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَيَّ مُصَافِقَتِي عَلِيَّ بَيْعَتِهِ  
وَ الْإِفْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافِقَتِهِ بَعْدِي. الْأَوَائِي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ  
وَ عَلِيٌّ قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا أَخَذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ  
إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُلُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلِيَّ نَفْسِهِ،  
وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)

(بخش ۹)

نماینده ذات پروردگار	به غیر از علی نیست در روزگار
سخن های او کبرایی بود	که آنچه بگوید خدایی بود
که آیات حق دارد از او نشان	نشانی بود او ز هستی نشان
به عالم سزاوار بالیدن است	علی خود نشان خدا دیدن است
علی صاحب اختیار شماست	که این گفته کردگار شماست
برای شما حرف پیشینیان	ظهورش بود همچو من بی گمان
بود بعد من حجت کردگار	دهم آگهی من به خرد و کبار
به قلب شما روشنایی علیست	که آئینه کبریایی علیست
که او را نباشد به عالم شکست	به پیروزی او نیابی تو دست
ولی خدا هست بر مؤمنین	بدانید تنها علی در زمین
که در داوری از خلائق سراسر است	به کار خلائق علی داورست
که آنچه خدا گفته من گفته ام	در باب قدر علی سفته ام
کند از بد و خوب آگاهتان	علی هست رهواره رهتان
علی را شنا سیده بیعت کنید	کنون وقت آن شد که همت کنید
که سرپیچی از امر او شد حرام	بود بر شما او پس از من امام
ولی راه او را علی رهنماست	که بالاترین دست، دست خداست
ببندید پیمان اگر با علی	دل و جانتان می شود منجلی



که بر هر پلیدی علی غالب است  
خدا می شود یار و غمخوار او

که پیمان او را خدا طالب است  
هرآنکس به عالم شود یار او

### أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ

بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَيَّ قَوْلِي وَتَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَخْضُرْ  
وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوُهُ عَنِّ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنِّي  
وَلَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيَ عَن مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ  
مَعَاشِرِ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ  
وَ عَرَّفْتُكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ  
(بخش ۱۰)

که در امر منکر پژوهش سزااست  
که مزد پیام رسانیدن است  
که آنرا رسانید به غائبین  
که با من در این امر سازش کنید  
نگه دار این خطبه پر بها  
رسانید از من به ملک جهان  
خوش آنکس که بر درک او شائق است  
علی ساقی و نص کوثر از اوست  
بدون امامان ز روز نخست  
که قرآن به تعبیرشان منجلیست

تو را امر معروف کوشش سزااست  
ولایت سرآغاز سنجیدن است  
مخاطب شمائید ای حاضرین  
به آنکه نداند سفارش کنید  
بکوشید و باشید نزد خدا  
شما آنچه گفتم به آیندگان  
که گفتار من گفته خالق است  
که امر به معروف و منکر از اوست  
نو را هیچ کاری نگردد درست  
امامان همه نسل پاک علیست

مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَاقْتِ وَاحِدٍ،  
وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخْذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِفْرَارَ بِمَا  
عَقَّدْتُ لِعَلِيٍّ مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ مِنِّي وَ مِنْهُ  
عَلِيٍّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ دُرَيْتِي مِنْ صُلْبِهِ. فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ  
مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَن رَّبِّنَا وَرَبِّكَ

فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ  
نُبَايَعُكَ عَلِي ذَالِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّيْتِنَا وَأَيْدِينَا عَلِي  
ذَالِكَ نَحْيِي وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ.

(بخش ۱۱)

شما را بیعت فراخوانده ام	فرا چون کتاب خدا خوانده ام
دهید از صفا دست در دست من	که هست علی هست از هست من
بیندید پیمان که محکم کند	به حق، حق او را مسلم کند
امامان بعد از علی رهبرند	که ذریه من به هر سنگرند
هرآنکس که از من کند پیروی	خدا اجر او را دهد معنوی
همه یکصدا در جواب نبی	به بیعت فشردند دست علی
بگفتند از جان و دل تابعیم	به عهدی که بستیم ما صادقیم
همه با ولایت نفس می کشیم	ولایت شعار از ره بنشینیم
بمیریم ما با ولای علی	که هستی عالم فدای علی
زگفتار تو ای رسول خدا	شدی سوی توحیدمان رهنما
به دست و زبان جمله همت کنیم	که با روح و جان تو تبعیت کنیم
چو اقرار ز آنان پیمبر گرفت	ز تو نخل اسلام ما برگرفت
به غیر از گروهی که جانی شدند	همه پیرو راه ثانی شدند

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةً  
كُلَّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)  
وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يَدُ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ)

سپس لعل لب را نبی باز کرد	چنین آخر خطبه آغاز کرد
شما امت خاتم الانبیاء	چه گوید در پیشگاه خدا
خدای که ناخوانده را خوانده است	به کنه صفاتش خرد مانده است
هرآنکس که فرمانش اجرا کند	به خیرش در لطف حق وا کند
مرو بی علی راه، گمراهی است	که راه علی، راه آگاهی است



زهی بیعتش بیعت با خداست  
که دست خدا هست بالاترین  
نبی کرد بر خلق حجت تمام  
دعا کرد پیغمبر راستگو  
ز خلاق یکتا و هستی نشان

علی را بیعت بسی محتواست  
علی دست حق است در آستین  
بدین سان علی گشت بر ما امام  
به آنان که بردند فرمان او  
طلب کرد آمرزش این و آن

پایان



<http://www.khetabeghadir.com>